

کنشهای بحران مالی جهانی بر وضعیت کارگران و زحمتکشان ایران

زینت میرهاشمی

جمعه هشتم آذر ۱۳۸۷

بحران مالی سرمایه داری این دستاورد اقتصاد نئولیبرالیستی، تأثیرات خود را در کشورهای پیرامونی منجمله ایران خواهد گذاشت. ترکشهای این بحران اگر چه با فاصله زمانی اما به شکل ناعادلانه ای بر وضعیت معاشی کارگران و مزدبگیران تأثیر منفی بر جای خواهد گذاشت. صاحبان سرمایه در این شرایط سخت و ناگوار به کمک هم می شتابند تا نظم موجود را در برابر واکنش محرومان واکسینه کنند. سرکوبی و فشار بر فعالان جنبشهای کارگری، جلوگیری از رشد جنبشهای کارگری و عدم سازمانیابی جهانی این جنبش، از پارامترهایی است که زندگی طبقه کارگرومزد بگیران را در برابرزبانهای بحران سرمایه داری، آسیب پذیرتر میکند. همبستگی و سازمانیابی کارگران و مزدبگیران در جهان، می تواند الترناتیو سوسیالیستی را به عنوان راه حلی عادلانه در برابر نظم موجود قدرتمند کند.

کاهش قیمت نفت خام یکی از پس لرزه های بحران جهانی و تأثیر گذار بر اقتصاد ایران است. اقتصاد ایران به دلیل وابستگی اش به نفت و واردات در ابعادی گسترده در برابر بحران جهانی هزینه پرداز خواهد بود و این موضوع در ماههای آینده بیشتر مشخص خواهد شد. بنا به گزارش درج شده در رسانه های حکومتی، میزان درآمد ارزی رژیم فقط در نیمه اول سال ۱۳۸۷ به ۶۰ میلیارد رسید. این منابع افزایش درآمد را در این دوره بیش از ۵۰ درصد اعلام کردند. بهای هر بشکه نفت خام در پایان ماه آبان کمتر از ۵۰ دلار شد. این در حالی است که در ماه ژوئیه قیمت نفت از مرز ۱۵۰ دلار هم گذشته بود.

بعضی از پایوران رژیم از بحران مالی که غرب را فرا گرفته ابراز خوشحالی نمودند. دارو دسته احمدی نژاد اقتصاد اسلامی را آلترناتیو اقتصاد «غربی» دانسته و نسخه هایی عقب مانده برای درمان این بحران می پیچند.

احمدی نژاد با ابراز خوشحالی از امکان تبدیل تهدیدها به فرصتها برای رژیم و با تکرار همان حرفهای همیشگی که از نگاه کارشناسان اقتصادی، پیشیزی ارزش ندارد، مورد تمسخر همه قرار گرفت. وی در همایشی در روز ۱۹ آبان ادعا کرد که ایران در این بحران جزء کشورهای آسیبی است که کمترین آسیب را می بیند. احمدی نژاد اظهار امیدواری کرد که آسیبهای بحران جهانی را به «صفر» برساند.

معاون وزیر اقتصاد رژیم گفت که «بحران مالی جهانی، فرصتهایی را در زمینه جذب سرمایه گذاریهای خارجی برای ایران فراهم کرده است.» کارگزاران رژیم ادعا می کنند که در شرایط موجود، سرمایه ها به سمت ایران سرازیر شده و در «امنیت نظام ولایت فقیه» سرمایه گذاری خواهند کرد.

در حالی که پایین آمدن قیمت نفت خام و نیز تحریمها به بحرانی تر شدن وضعیت اقتصادی انجامیده، احمدی نژاد سه شنبه ۳۰ مهر با حرفهای عوامفریبانه خود، تحریمها را بی اثر و وضعیت اقتصادی را خوب اعلام کرد. پاسدار احمدی نژاد به دروغ گفت که «در این سه سال تحریم، صادرات غیر نفتی ما سه برابر شده است» وی همچنین از

تبدیل تحریمها به «فرصت و پیشرفت» حرف زد. این حرفها در حالی است که همقطاران وی بالا رفتن قیمت نفت را فرصتی «طلایی» و پایین آمدن آن را فشاری مستقیم بر تنگ تر کردن بخور بخورهای حکومتیان می دانند. افزایش بهای نفت خام که رشد نقدینگی و افزایش واردات را به همراه داشت باعث رکود بیشتر و تعطیلی واحدهای تولیدی شده است. دولت احمدی نژاد بر اساس افزایش قیمت نفت خام، طرحهای به اصطلاح زودبازده را در دستور کار قرار داد.

برخی از این طرحها قبل از اجرایی شدن به بایگانی سپرده شد. برخی از آنها هم که اجرا شد هیچ راهگشایی برای تولید و ایجاد کار نداشته است. اما جیب فرماندهان سپاه و بسیج از بودجه ای که برای طرحهای زودبازده اختصاص داده شده پر شد و این باعث رشد سرسام آور نقدینگی شد. حکومتیها و نورچشمیها فربه شده، طبیعا با پایین آمدن در آمد نفت ناراضی شده اند.

بر اساس داده های آماری در رسانه های دولتی، طی ۳ سال گذشته، دولت احمدی نژاد بیش از ۱۹۸ میلیارد دلار نفت فروخته است. دستاورد این درآمد برای مردم تورم بالای ۲۶ درصد و نقدینگی غیر مولد ۱۶۹ هزار میلیارد تومانی بوده است. هیچ رهیافت مثبتی برای نجات صنایع تولیدی از گرداب ورشکستگی و رکود وجود ندارد. آمار بیکاری افزایش پیدا کرده است. تورم سیر صعودی خود را حفظ کرده است.

طرح «تحول اقتصادی» که پاسدار احمدی نژاد ادعای انجام آن را دارد در شرایط بحرانی موجود در نطفه خفه خواهد شد. این طرحها از یک طرف به تضادهای بالائینها را برای سهم بیشتر یا حفظ سهم خود دامن می زند و از طرفی دیگر منجر به فقیرتر شدن کارگران و مزدبگیران و در نتیجه رشد اعتراضهای عمومی خواهد شد.

در حقیقت طرحهای احمدی نژاد در راستای پیاده کردن سیاستهای صندوق بین المللی پول و در خدمت نئولیبرالیسم خواهد بود. مخبر کمیسیون اقتصادی مجلس در رابطه با طرح جدید احمدی نژاد پیش بینی می کند که: «این طرح حداقل ۵۰ درصد تورم را در پی خواهد داشت که با تورم ۲۶ درصدی کنونی میزان تورم را به بالای ۷۰ درصد می رساند و شوک شدیدی را به کشور تحمیل خواهد کرد.» (روزنامه اعتماد دوشنبه ۲۰ آبان ۸۷)

وزیر کار رژیم در پایان شهریور ماه اعلام کرد که «در شش ماهه نخست امسال حدود ۲۵۳ هزار نفر از نیروی کار به لحاظ عدم تامین نقدینگی و نبود ماده اولیه کارخانجات بیکار شده اند.» وی آمار بیکاری را «بیش از دو میلیون و ۲۰۰ هزار» نفر اعلام کرد. ما به ازای رشد بیکاری و تعطیلی صنایع تولیدی، رشد صعودی واردات و افزایش دارایی سرمایه داران دلال صفت و حکومتیها بوده است.

روزنامه آفتاب یزد یکشنبه ۱۹ آبان در یک گزارش از «درآمد چند میلیاردی و انحصاری ۵۵ نفر از طریق واردات انحصاری ۵ کالا» نوشته است. واردات خودرو، آهن آلات، شکر، پارچه و تلفن همراه در سال ۸۶ به طور انحصاری در «اختیار تعداد قلیلی» بوده است. این منبع می نویسد: «بنا بر آمار رسمی گمرک ایران انحصار واردات خودرو در اختیار ۱۰ نفر، انحصار واردات شکر در اختیار ۱۵ نفر، انحصار واردات آهن در اختیار ۲۰ نفر، و انحصار واردات گوشی موبایل و پارچه نیز هر یک در انحصار ۱۰ نفر بوده است.»

در ازای نابودی تولیدات ایران، «۵۵ شخصیت حقیقی و حقوقی» میلیاردها دلار سود برده اند. رشد درآمدهای نفتی در بخشهای تولیدی هزینه نشد و به رشد واردات کمک کرد. در این مورد به آمارهای کارگزاران حکومت مراجعه

می کنیم. رئیس سازمان گمرک می گوید: «در ۷ ماهه سال جاری ۲۳ میلیون و ۸۲۵ هزار تن کالا به ارزش ۳۳ میلیارد و ۵۹۴ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار وارد کشور شده که این میزان نسبت به مدت مشابه سال قبل از حیث ارزش ۳۱ درصد افزایش داشته است.» (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۴ آبان ۸۷)

یکی از موارد دیگر اجرای اوامر بانک جهانی، خصوصی سازی و حذف سوبسیدها بوده است. در راستای اجرایی کردن آن بیش از همه کارگران و مزدبگیران آسیب و زیان دیدند و خواهند دید. حذف سوبسیدها و پرداخت «پارانه ها» از جمله وعده هایی است که دولت احمدی نژاد با آن سر همه را می خواهد گرم کند. رفسنجانی این طرح را «گداپروری» نامید. این موضوع تبدیل به کشاکش در بین خودیها شده است. این در حالی است که ما هر روزه شاهد اعتراض کارگران به عدم پرداخت حقوقشان هستیم. حداقل حقوق کارگران با میزان تورم خوانایی ندارد. در رابطه با خصوصی سازی، شرکتهای دولتی بین آقازاده ها و وابستگان به حکومت سپرده می شود و به همین دلیل با این سیاست واحدهای تولیدی دچار بحران شده و بخش بزرگی از آنان نابود شده اند. در عمل واحدهایی که به بخش خصوصی سپرده شده اند، به دلیل نقشی که سپاه در مالکیت این واحدها دارد، به شکلی شبه دولتی و جنبه نظامی هم پیدا کرده است.

در اول آبان ماه سال جاری شاهد برگزاری مجمع عمومی کارگران و تعیین هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، بودیم. بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران این واحد بزرگ تولیدی در همایش انتخاب اعضای هیات مدیره این سندیکا شرکت کردند. سنگ پایه این تشکل، برآیند مبارزه طولانی کارگران برای دست یازی به حق خود علیرغم همه تهدیدها و سرکوبگری رژیم است.

گستره مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه ابعادی جهانی به خود گرفته است. وزارت اطلاعات با شگردهای سرکوبگرانه اش تلاش کرد از برگزاری این همایش جلوگیری کند، اما موفق به از بین بردن عزم کارگران برای ایجاد تشکل مستقل خود نشد. سازمانیابی و ایجاد سندیکای کارگری حق کارگران است. رژیم علیرغم پذیرش کنوانسیونهای سازمان بین المللی کار مبنی بر تشکل پذیری کارگران طی سه دهه کارگران را از این امر محروم و هر تشکلی مستقل کارگری را سرکوب کرده است.

بی شک سازمانیابی و تشکل پذیری مبارزه کارگران را در مداری بالاتر و موثرتر پیش خواهد برد. این موفقیت را به کارگران هفت تپه و همه ی فعالان کارگری شادباش می گوئیم.

زینت میرهاشمی

اول آذر ۱۳۸۷

Zinat_mirhashemi@yahoo.fr